

تأسیس پایگاه نظامی امریکا در آذربایجان و

امنیت جمهوری اسلامی ایران

چکیده

فهرست

- اگر چه منطقه قفقاز از دیرباز مورد توجه دولتمردان ایرانی بوده است، اما در این میان آذربایجان به خاطر موقعیت ژئوپلتیک خاصش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. نویسنده در این نوشتار با تأکید بر روی روندهای جاری در این منطقه سعی در بازشناسی کانونهای امنیتی فعال در منطقه دارد و اینکه غفلت جمهوری اسلامی ایران از این روندها چگونه می تواند تأثیرات منفی ای را برای امنیت ملی ایران در پی داشته باشد. برای این منظور مولف اگر چه به پیوستگیهای فرهنگی - سیاسی و اقتصادی بین ایران و آذربایجان اشاره دارد، اما اذعان دارد که حضور قدرتهای فرا منطقه ای و بازیگری منافع ملی در سطح عالی، نیروی قوی ای را شکل داده است که می تواند بر ملاحظات فرهنگی اجتماعی گفته شده، فایق آید و این پدیده ای است که ما در طرح تأسیس پایگاه نظامی امریکا در آذربایجان با آن مواجه می باشیم.
- این واقعیت که اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد، تمامی مرزهای شمال ایران در محاصره ناتو در خواهد آمد و به نوعی نفوذ اسراییل در منطقه را تقویت می کند، ما را وامی دارد تا نسبت به سیاستهای آذربایجان بیشتر حساس بوده و با دقت کامل آن را دنبال کنیم. تقویت علقه های بین دو کشور، در نهایت پیامدهای امنیتی مثبتی را خواهد داشت که دو کشور از آن منتفع میشوند.

کلید واژه ها

ایران

آذربایجان

سیاست

امنیت

امریکا

اسراییل

ملی ایران 65

و - ملاحظات مربوط به امنیت

منطقه قفقاز از دیر باز مورد توجه پادشاهان ایرانی و خلفای اسلامی بوده است. این سرزمین در دورانهای پیشین تحت سیطره سلاطین ایرانی و ترک قرار داشته و مرز ایشان با امپراطوری روم شرقی به شمار می آمده است؛ بعدها مورد تاخت و تاز مغولان، محل رقابت صفویان و عثمانی، محل کشمکش ایران و روس، جایگاه منازعه میان روس و عثمانی و قرار گرفت و به طور کلی همواره صحنه شورشهای قومی و مذهبی بوده است که ادامه این معضلات را امروز نیز در منطقه «قره باغ» شاهد هستیم. این منطقه 500 هزار کیلومتر مربعی که در حد فاصل اروپا و آسیا واقع شده، مرز میان تمدن اسلامی و تمدن مسیحی و سه فرهنگ روس، ترک و فارس است. این منطقه با جمعیتی در حدود 30 میلیون نفر، 24 قوم و 50 زبان را در خود جای داده است. چهار دین مسیحیت، بودا، اسلام و یهود پیروانی در این منطقه دارند. تقسیمات سیاسی این منطقه نیز از ویژگی یگانه ای برخوردار است. جمهوری آذربایجان رخود از دو جمهوری خودمختار نخجوان و قره باغ تشکیل شده است؛ جمهوری گرجستان نیز به چندین جمهوری نظیر چچنستان، داغستان، کالیکستان و تقسیم گشته است.

در این میان، آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی شایسته توجهی برخوردار است؛ این کشور که در همسایگی ایران، ترکیه¹ و روسیه قرار دارد، ضمناً در مجاورت دو جمهوری مسلمان و ترک نشین روسیه (یعنی چچن و داغستان و نیز مسلمانان ساکن درکناره های رود ولگا) و نیز جمهوری ارمنستان قرار گرفته است.

1- فقط نخجوان با ترکیه هم مرز است.

ب - مشترکات فرهنگی - مذهبی

منطقه آذربایجان تا پیش از عهد نامه های ترکمانچای و گلستان جزء ایران بوده است. اشتراکات تاریخی با سرزمین مادری موجب شده است که مشارکتهای تمدنی میان این دو کشور همچنان به قوت خود باقی بماند. 105 سال حاکمیت تزارها و 78 سال حاکمیت کمونیستها هیچ یک نتوانست فرهنگ ارتدوکسی و یا ایدئولوژی کمونیستی را جایگزین تفکر اسلامی در این منطقه نماید. ادبیات سوزناک «جدایی» (آیرلیق) که شاعرانی همچون الماس ایلدیرم، اسماعیل حکمت، حسین جاوید، صمد ورقون، سلیمان رستم، داداش آذراوغلو، بختیار نقاب زاده، علی توده، حبیب زارع، سمند قراچورلو، محمد آراز و مرحوم شهریار پدید آوردند. در سوگ جدایی از ایران اشعار بسیار زیبایی را در خود دارد.

علیرغم جدایی آذربایجان از ایران، تحولات این دو کشور طی قرن بیستم - بر دیگری نیز تأثیر بسزایی داشته است؛ برای نمونه می توان به رویداد نهضت مشروطیت در ایران، انقلابهای اجتماعی و سیاسی در قفقاز، شورشهای ارمنیان قفقاز، تشکیل نظام خود مختار آذربایجان پس از جنگ جهانی اول، تشکیل جمهوری خود مختار آذربایجان در ایران، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وقوع بحران قره باغ و اشاره کرد.

نباید از یاد برد که آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است. اگر چه در قانون اساسی جمهوری آذربایجان، حکومت آن غیردینی نامیده شده است، اما 90٪ آذربایجانیها مسلمان و از این میان حدود 70٪ شیعه می باشند. جمهوری آذربایجان 8 میلیون نفر جمعیت دارد که قریب 87٪ آنان ترک زبان هستند. آذربایجانیها با میلیونها آذربایجانی ایرانی رابطه خویشاوندی دارند و همین امر موجب شده است که این کشور به میدان رقابت میان ایران و ترکیه تبدیل شود. هرگونه سستی و یا باخت آشکار ایران در این رقابت، می تواند لطمات جبران ناپذیری بر امنیت ملی ما وارد سازد.

ج - وضعیت سیاسی و اقتصادی آذربایجان

در حال حاضر، نوعی منازعه قومی - مذهبی در منطقه قره باغ آذربایجان و میان ارمنیان ارتدوکس و مسلمانان شیعه در جریان است که تأثیرات آن را می توان بر روی ترکها و ارمنیهای ایران نیز دید. از سوی دیگر، تلاشهای ایران جهت پراکندن فرهنگ اسلامی و شیعه گری در منطقه قفقاز، تنها از طریق آذربایجان امکان پذیر است. از نظر اقتصادی نیز آذربایجان از پتانسیلهای اقتصادی خوبی نظیر نفت، برخوردار است؛ در این میان عبور خط لوله های گاز و نفت آذربایجان از ایران، می تواند کشور ما را به شاهراه خطوط نفت حوزه دریای خزر تبدیل کند.

د - گرایشهای آمریکایی در آذربایجان

تضمین استقلال آذربایجان می تواند مانع از ادامه حیات امپراتوری روسها - چه در غالب کمونیستی و یا به صورت ناسیونالیستی گردد از سوی دیگر، همسایگی ایران با آذربایجان و تبلیغ تفکرات شیعی و اسلامی در آذربایجان و قفقاز می تواند مشکلات فراوانی را برای امریکا فراهم آورد. اگر آذربایجان پذیرای تفکرات

اسلامی باشد، این تفکرات به راحتی در میان مناطقی همچون داغستان، چچن، تاتارستان و که مسلسل وار در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، رواج خواهد یافت. تلاش امریکا برای حضور در خزر و جلوگیری از عبور خطوط لوله نفت از ایران، از دیگر علل تمایل به حضور امریکا در آذربایجان می باشد. از سوی دیگر، سرمایه گذاری 73 میلیاردی در زمینه های مختلف - به خصوص نفت و گاز آذربایجان - موجب شده است که امریکا خواهان محافظت از سرمایه های خود در این کشور باشد. تلاش جهت بهره مندی هر چه بیشتر از منابع انرژی حوزه دریای خزر و در صورت امکان، جانشین سازی آن به جای خلیج فارس، از دیگر اهداف امریکا در این منطقه می باشد و سرانجام آن که، حضور لابی قدرتمند ارمینها در کنگره امریکا موجب شده است که بحران در قره باغ از اهمیت ویژه ای برای ایالات متحده برخوردار باشد. جالب آن است که آذربایجان نیز، خود سعی در جلب حمایت امریکا در بحران قره باغ دارد. علی یار صفوی یکی از وزیران سابق آذربایجان می گوید:

«دریافت جنگ افزارهای پیشرفته روسی به ارزش میلیاردها دلار به دست ارمنستان، خواه ناخواه آذربایجان را بر آن می دارد که با توجه به تهدید تمامیت ارضی خود، سعی در تقویت قدرت خود در منطقه بنماید.»

کارنیک باقالیان، یکی از سیاستمداران آذربایجانی نیز در این زمینه گفته است:

«ایجاد پایگاه نظامی امریکا در آذربایجان، تلاش این کشور برای تحت فشار قرار دادن ایران، روسیه و به ویژه ارمنستان است.»

در این میان، آذربایجان سعی دارد تا با ایجاد یک جنگ روانی در برابر ایران، ارمنستان و روسیه، راههای تقویت موضع خود در قبال بحران قره باغ را بیازماید. استقرار پایگاههای روسی در ارمنستان نیز در شکل گیری چنین خط مشی بی تأثیر نبوده است.

از نظر اقتصادی نیز آذربایجان سعی در تشویق سرمایه گذاران غربی برای تداوم سرمایه گذاری در این کشور دارد. و سرانجام آن که، برخی معتقدند که حیدر علی اف به این ترتیب قصد دارد تا زمینه را برای ریاست جمهوری فرزندش الهام علی اف فراهم آورد.

ح - آیا آذربایجان مورد حمایت قرار خواهد گرفت؟

سیاستهای ضد روسی، همواره در رأس برنامه های رؤسای جمهوری آذربایجان قرار داشته و این امر تشویق امریکا را نیز در پی داشته است. آذربایجان همچنین کوشیده است تا در جریان بحران چچن، نقش پلی ارتباطی میان این منطقه و دنیای غرب را ایفا کند. این کشور همچنین با شرکت در مانور دریایی اسراییل و ترکیه در آبهای مدیترانه، سعی در نزدیک سازی خود به متحدان ایالات متحده در منطقه دارد؛ این همه سبب شده است که آذربایجان مورد توجه ایالات متحده قرار گیرد.

با این همه، احتمال حضور همه جانبه امریکا در این منطقه بعید به نظر می رسد. هیچ تهدید جدی در برابر منافع امریکا در منطقه وجود ندارد. روسها نیز آذربایجان را حیاط خلوت خود می دانند و اهمیت آذربایجان برای روسها همچون اهمیت کوبا برای امریکاست. تلاشهای امریکا برای بهبود روابط با ایران نیز با سیاست تأسیس پایگاههای نظامی در آذربایجان در تضاد می باشد. از سوی دیگر، علیرغم تلاشهای پیگیر آذربایجان

برای ورود امریکا به بحران قره باغ، ایالات متحده به هیچ وجه قصد آن را ندارد که ارمنیها را تا بدان پایه از خود برنجانند که موجب تسلیم کامل آنها در برابر روسها شود. در این میان، تقویت آذربایجان و ورود این کشور به ناتو می تواند منجر به گسترش پان ترکیسم و به دنبال آن، تشدید تحرکات پان ارمنیستی و پان کردیسم در منطقه گردد.

و - ملاحظات مربوط به امنیت ملی ایران

اگر آذربایجان به ناتو بپیوندد، تمامی مرزهای شمال غربی ایران در محاصره ناتو در خواهد آمد و زمینه برای حضور هر چه بیشتر اسرائیل - بزرگترین دشمن ایران - فراهم

خواهد شد. این امر همچنین گسترش هر چه بیشتر اندیشه های لیبرالیستی و لائیک در منطقه را در پی خواهد آورد. حضور آمریکا در این کشور موجب خواهد شد که کشورهای نفت خیز آسیای مرکزی بیش از پیش تحت فشار قرار گیرند و مجبور به موافقت خط لوله باکو - جیحان - که صرفه اقتصادی چندانی ندارد - شوند.

جمهوری اسلامی ایران باید در دو بعد داخلی و خارجی مانع از تقویت این شکل بندیها شود. در بعد خارجی، کمک به حل هر چه سریعتر بحران قره باغ، همکاری با روسها برای مخالفت با حضور پایگاههای امریکایی در آذربایجان، حفظ تعادل روابط با دولت ارمنستان، جلوگیری از افزایش تنش با امریکا، تأکید بر پیوندهای دیرینه میان ایران و آذربایجانم و تقویت دستگاههای تبلیغاتی برون مرزی از جمله اموری هستند که می توانند نقش کارآمد در حفظ تعادل سیاسی منطقه ایفا کنند.

در بعد داخلی نیز انجام دادن اقداماتی نظیر تأکید بر محوریت اسلام، تأکید بر بازگشت قفقاز به ایران (در صورت گسترش پان آذربایجانسم)، جلوگیری از اقدامهای تحریک آمیز رسانه های گروهی، بهبود وضعیت اقتصادی استانهای آذری نشین و می تواند در حفظ امنیت ملی، نقش مؤثری ایفا کند.